

متن پرسش

سلام استاد گرانقدر: چرا رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) خالد بن ولید را با وجود آنکه عده‌ای از مسلمانان قبیله جذیمه را کشته بود کیفر نداد؟ (اهل سنت، جنایات خالد را در قضیه کشتن مالک بن نویره در زمان ابوبکر، و قصاص نشدن وی را با این مساله قیاس و توجیه می‌کنند) چرا امیرالمومنین اینقدر با برخی یاران‌شان مدارا می‌کردند؟ (مثلا با اشعث) همین امام جای دیگر مثلا در موضوع ولید حاکم کوفه در زمان عثمان به اون صورت قاطع عمل می‌کنند؟ اشعثی که بقول آقای پناهیان: خوارج به علی (ع) اعتراض می‌کردند و می‌گفتند که اشعث پای رکاب تو چه کار می‌کند؟! این اشعث را دور بینداز! یا امیرالمومنین سر موضوع خواستگاری جعده از امام حسن راحت مقابل اشعث کوتاه میاد. یا مثلا گفته می‌شود امام حسن یکی از دلایل صلحش با معاویه حفظ جان یاران مخلص و تربیت یاران جدید بود. خب این یاران که ۱۰ سال بعد همگی اشان به راحتی توسط حاکم جور کشته شدند. در واقع ظاهرا به عقل ناقص من اینکار عجیبی می‌نماید؟ من به این موضوع واقفم که باید شرایط زمان و مکان رو لحاظ کرد اما واقعا گاهی دوگانگی‌هایی می‌بینم که برایم اصلا قابل حل نیست.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان‌طور که متوجه هستید برای باقی‌ماندن اصل اسلام و کم‌کردن انگیزه مخالفت با آن، جهت به فعلیت آمدن ظرفیت تاریخی اسلام، که بنا بر آن است تا آن ظرفیت به ظهور آید؛ حرکات پیامبر و ائمه حکایت از بصیرت آن‌ها دارد. در این رابطه به همان صورتی که رهبر معظم انقلاب با آقای هاشمی در عین آن‌که خودشان فرمودند در بعضی موارد نگاه‌شان با آقای هاشمی متفاوت است، مقابله مستقیم نکردند تا انقلاب دو تکه شود. ولی در مورد خالد بن ولید و ظلم‌های وی در نبرد با بنی جذیمه و نیز مجازات نشدنش از طرف پیامبر (صلوات‌الله‌علیه‌وآله) باید گفت:

۱. بخشیدن خون مقتول و یا قصاص قاتل، در اختیار ولی مقتول است و اگر او بخواهد قاتل را قصاص نماید، حاکم اسلامی وظیفه دارد که قاتل را قصاص و حکم اسلامی را اجرا نماید؛ اما اگر او بخواهد با گرفتن دیه، از کشتن و قصاص قاتل بگذرد، حکومت اسلامی نیز نظر او را محترم خواهد شمرد. اگرچه حکومت در صورت صلاحدید، می‌تواند مستقلاً متخلف را به دلیل نقض قانون، مورد مجازاتی هرچند خفیفتر قرار دهد.

۲- در قضیه بنی جذیمه نیز چنین بوده است؛ یعنی رسول خدا (صلوات‌الله‌علیه‌وآله) بعد از اطلاع و آگاهی از بروز چنین حادثه تلخی، امیرمؤمنان علی (علیه‌السلام) را برای جبران خسارات وارده و نوعی

پوزش طلبی به آن منطقه اعزام کرد و تمام خسارات؛ حتی قیمت کاسه آبخوری سگ‌های آن قبیله را نیز پرداخت نمود:

وقتی خبر به پیامبر (ص) رسید، دست‌هایش را به آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا! من از آنچه خالد انجام داده بیزارم». سپس علی (ع) را خواست و به او فرمود: «ای علی! بدانجا برو و حالشان را بپرس و روش جاهلیت را زیر پا بگذار.

علی (علیه‌السلام) با اموالی فراوان به طرف آن قبیله رفت، خون‌بها، خسارت اموال و حتی قیمت کاسه‌های سگان آنها را نیز پرداخت نمود و سپس از آنان پرسید: «آیا خون‌بها و یا مالی مانده که به شما نپرداخته باشم؟!» همگی گفتند: خیر. علی (علیه‌السلام) فرمود: «باقی مانده اموالی را که به همراه آورده بودم را نیز به خاطر رعایت احتیاط کامل از جانب پیامبر (صلوات‌الله‌علیه‌وآله) به شما می‌پردازم». سپس به مدینه بازگشت و آنچه انجام داده بود را به رسول خدا گزارش کرد. حضرتشان فرمود: کار درست و زیبایی انجام دادی». سپس رو به قبله ایستاد، و دست‌ها را بلند کرد ... و سه بار فرمود: «خدایا من از آنچه خالد انجام داده بود، بیزارم. ولی در مورد جنایاتی که خالد بن ولید با مالک بن نویره و همسر او انجام داد؛ صاحبان قتل از او نگذشتند. متأسفانه خود خلیفه او را معاف کرد. در حالی که جناب عمر در این مورد به خلیفه یعنی جناب ابابکر اعتراض نمود. موفق باشید